

«زن» در ضرب‌المثل‌های انگلیسی: رویکرد تحلیل انتقادی گفتمان

کیوان زاهدی^۱

آسیه ایمانی^۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر تحلیل انتقادی گفتمان ضرب‌المثل‌های زنان در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد است. پیکره مورد بررسی شامل ۴۲ ضرب‌المثل از این فرهنگ است. چهارچوب نظری تحلیل، رویکرد فرکلاف و در مواردی رویکرد کارکردگرایانه هلیدی - متیسن، بالاخص فراکارکرد متنی نیز به کارگرفته می‌شود. روش پژوهش هم دارای مؤلفه‌های کیفی و هم دارای رویکرد کمی است. مؤلفه‌های کیفی برگرفته از ابزارهای تحلیل گفتمان انتقادی و مفاهیم کلیدی آن و رویکرد کمی، محاسبه میزان به کارگیری هر یک از این مفاهیم و تحلیل آماری پیکره براساس آزمون کراسکال‌والیس است. نتایج نشان می‌دهد: (۱) ساختار ضرب‌المثل‌ها در این فرهنگ به سه دسته یکسان، مشابه - متفاوت و متفاوت تقسیم می‌شود و بین انواع ساختار در این فرهنگ تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0/01$): (۲) مناسبات قدرت بر گفتمان ضرب‌المثل‌های زنان مؤثر است و توزیع قدرت نه تنها بین زن و مرد نابرابر است (به نفع مرد) بلکه بین زنان نیز براساس نقش و جایگاه اجتماعی‌شان به صورت نابرابر توزیع شده است: (۳) ایدئولوژی حاکم بر گفتمان این فرهنگ، تبعیض و نابرابری جنسیتی است: (۴) نظم گفتمانی حاکم بر این فرهنگ، نظام خویشاوندی است اما این نظام نسبتاً محدود و بر پایه روابط فردی استوار است: (۵) میزان بازنمایی منفی زن بیشتر از سایر شیوه‌های بازنمایی (مثبت، مثبت - منفی و خنثی) است: (۶) نظام اجتماعی حاکم بر گفتمان این فرهنگ، کلان‌ساختار مردسالاری است که در زبان بازتاب یافته است.

کلید واژه‌ها: تحلیل انتقادی گفتمان، رویکرد فرکلاف، قدرت و ایدئولوژی، نظام خویشاوندی، نظام مردسالاری.

دوره چهارم، شماره ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۰

^۱ دانشیار گروه زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی

kzahedi@sbu.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه شهید بهشتی

a.imani@sbu.ac.ir

مقدمه

گفتمان اصطلاحی است که امروزه به شکل گسترده‌ای هم در عرصه‌های علمی و هم غیرعلمی رواج یافته و در معانی و کاربردهای مختلفی به کار گرفته می‌شود. گویی این واژه، صرفاً یکی از واژه‌های رایج در حیطه فهم همگانی بوده است که در سالهای اخیر مفهوم آن گسترش یافته و به صورت یک چهارچوب مطالعاتی درآمده و رویکردهای مختلفی از آن منشعب شده است. یکی از انواع گفتمان، گفتمان ضرب‌المثلی در هر زبان است که کاملاً فرهنگ بنیاد بوده و دارای ارزش جامعه‌شناختی - زبان‌شناختی است. «ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات پدیده‌هایی مفهومی و جهانی هستند که منبعی مناسب و مهم برای شناخت ملتها و تحول فکری آنها به شمار می‌روند و می‌توان آنها را یک منبع غنی و جالب اطلاع‌رسانی درباره دانش مردمی محسوب کرد که دانش زمینه‌ای و باورهای فرهنگی را در هر جامعه شرح می‌دهند» (مورنو^۱ ۴۲).

این آموزه‌های زبانی - ضرب‌المثل‌ها - یک نوع رده‌شناسی خاص از الگوهای تفکر و بحث محسوب می‌شوند، که با استفاده از آنها می‌توان بسیاری از ایده‌ها را راجع به اینکه افراد هر جامعه چگونه تفکر می‌کنند، مفاهیم را درک و تجسم و پدیده‌های جهان را دسته‌بندی می‌کنند، استخراج کرد و به این نکته پی‌برد که چگونه دانش سنتی مردمی از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌یابد.

مسئله‌ای که در ذهن نگارندگان وجود دارد این است که گفتمان ضرب‌المثل‌های زنان در فرهنگ آکسفورد چه ویژگی‌هایی دارد و چه عواملی باعث ایجاد انسجام و درک آنها می‌شود از طرفی چون متون بر پایه دیدگاههای فکری - اجتماعی افراد، سازمانها، نهادها و غیره که در ساختن و تولید واقعیات دست دارند قرار دارند، بدین‌وسیله می‌توان نشان داد که چگونه دیدگاههای فکری - اجتماعی افراد در زبان آنها متبلور می‌شود و چگونه می‌توان به عوامل اجتماعی - فرهنگی دخیل در ایجاد و کاربرد این نوع خاص از گفتمان (ضرب‌المثلی) پی برد. با توجه به اهمیت و کاربرد ضرب‌المثل‌ها و نظر به اینکه تاکنون کسی به تحلیل انتقادی گفتمان در ضرب‌المثل‌های زنان در انگلیسی نپرداخته است، انجام چنین پژوهشی ضروری به نظر می‌رسد.

این پژوهش به دنبال پاسخگویی به پرسش‌های زیر می‌باشد: (۱) ساختارگفتمانی، توزیع ساختارهای گفتمان‌مدار و نظم گفتمانی حاکم بر ضرب‌المثل‌های زنان در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد از دید انتقادی چگونه است؟ (۲) زن در این فرهنگ چگونه بازنمایی می‌شود؟ (۳) ایدئولوژی حاکم، مناسبات قدرت و نظام اجتماعی حاکم بر این گفتمان چگونه است و به چه صورت در زبان نمایان می‌شود؟

¹ Moreno

محدودیت‌های پژوهش عبارتند از: (۱) در این پژوهش فقط آن دسته از ضرب‌المثل‌هایی که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مرتبط با زن بوده و از حداقل بارفتار زبانی (یک جمله) برخوردارند، بررسی می‌شوند؛ (۲) از میان سه فراکارکرد مورد نظر هلیدی-متینسن، تنها به فراکارکرد متنی^۲ پرداخته می‌شود؛ (۳) در بررسی فراکارکرد متنی، تنها به بررسی مقولهٔ انسجام پرداخته می‌شود و سایر موارد از قبیل ساخت مبتدایی^۳ و ساخت اطلاعی^۴ مورد بررسی قرار نمی‌گیرند چون ساخت مبتدایی بسیار گسترده بوده و پژوهش مستقل دیگری را می‌طلبد و ساخت اطلاعی نیز شنوده - محور^۵ بوده و پژوهش حاضر با محوریت متن صورت می‌گیرد. ساختار مقاله متشکل از پنج بخش می‌باشد. بخش اول به مقدمه پژوهش می‌پردازد. در بخش دوم، پیشینه پژوهش و چهارچوب نظری مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش تحقیق و چگونگی انجام آن در بخش سوم بیان می‌شود. بخش چهارم به تحلیل داده‌ها و بحث اختصاص یافته است و در بخش پایانی نتایج حاصل از پژوهش بیان می‌شوند.

پیشینه

در حالی که چامسکی و سایر صورت‌گرایان پیرو او، تحلیل و توصیف زبان در سطح جمله را صرف نظر از کاربرد یا بافت آن مورد توجه قرار داده بودند، مقاله زلیگ هریس^۶ (۱۹۵۲) روزنه‌ای به سوی شاخه‌ای جدید از زبان‌شناسی تحت عنوان «تحلیل گفتمان» باز کرد. تحلیل‌گران گفتمان با فاصله گرفتن از دیدگاه‌های صورت‌گرایانه، هر چه بیشتر با دیدگاه‌های نقش‌گرایانه قرابت پیدا کردند و بدین ترتیب یکی از شاخه‌های نوپای علم زبان‌شناسی - تحلیل گفتمان انتقادی که خود دارای رویکردها مختلفی از جمله رویکرد فرکلاف، ون‌دایک، وداک و لاکلاو - موفه است پا به عرصهٔ ظهور گذاشت. این شاخهٔ نوپای علم زبان‌شناسی و رویکردهای مختلف آن تاکنون در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از جمله علوم سیاسی، ادبیات، جامعه‌شناسی، مطبوعات، رسانه و سینما به عنوان اساس و چهارچوب نظری بسیاری از پژوهش‌ها واقع شده است. در زیر به برخی از پژوهش‌های انجام شده در این حوزه پرداخته می‌شود:

² Textual Meta-function

³ Thematic Structure

⁴ Information Structure

⁵ Listener-Based

⁶ Zellig Harris

درباب کارآمدی الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف در نقد و ارزیابی برابرها در متون ترجمه شده *خواهران اثر جیمز جویس*^۷ (آقاگل زاده و همکاران ۲۳ و ۲۲) به بررسی مقوله برابری و برابری بر پایه هم ویژگی‌های صوری متن در زبان مبدأ و هم بافت موقعیتی بر رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی تأکید می‌کنند و چنین نتیجه می‌گیرند که تنها تکیه کردن بر ترجمه درون‌زبانی، یعنی تحلیل در سطح خرد زبانی، مشکلاتی همچون نادیده گرفتن تأثیر ساختارهای گفتمان‌مدار زبان مبدأ و بازآفرینی آن در زبان مقصد در فرآیند برابری را به وجود می‌آورد.

براساس رویکرد فرکلاف، (قبادی و آقاگل زاده ۱۵۰) به تحلیل گفتمان غالب در رمان *سوشون سیمین دانشور* می‌پردازند و با استفاده از این رهیافت این رمان را تحلیل و تبیین و چگونگی نگرش نویسنده در پردازش رمان را بررسی می‌کنند.

آقاگل زاده و غیاثیان (۳۹) به مروری بر خاستگاه تحلیل گفتمان انتقادی، معرفی مکاتب نظری تأثیرگذار بر آن و بیان اشتراکات و افتراقات رویکردهای غالب در آن می‌پردازند و به این مطلب اشاره می‌کنند که علی‌رغم وجود تفاوت در بنیان‌های نظری و ابزارهای تحلیل در هر رویکرد، سه مفهوم انتقاد، قدرت و ایدئولوژی در تمامی رویکردها وجود دارد و با وجود تفاوت‌ها، همه هدف واحدی را دنبال می‌کنند و آن نشان‌دادن رابطه دیالکتیک میان زبان، قدرت و ایدئولوژی و نقش مؤثر زبان در تجلی قدمت و مشروعیت‌بخشی به روابط نابرابر اجتماعی است. از جمله پژوهش‌های دیگر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: انصاری (۱۳۸۲) به بررسی نقش زبان در سینمای نوین ایران بر اساس الگوی فرکلاف و سیمپسون، دمالی امیری (۱۳۸۰) به تبلور ایدئولوژی و قدرت در کلام (تحلیل انتقادی اخبار رسانه‌ای)، یارمحمدی (۱۳۸۰ و ۱۳۸۲) به شیوه‌های تحلیل گفتمان و دیدگاه‌های فکری و همچنین تناسب روش‌های کمی و کیفی در تحلیل گفتمان پرداخته و رویگریان (۱۳۷۸) نشان می‌دهد با وجود اینکه زبان متن‌های نویسندگان زن آمیزه‌ای از گفتمان‌های مختلف است، اما عمدتاً عنصر گفتمانی زبان زنان، همدلانه است که صرفاً به اقتضای شرایط مبارزه‌جویانه^۸ می‌شود و متونی وجود دارد که با ایدئولوژی مردسالار هماهنگ هستند اما با سلطه این ایدئولوژی به مبارزه بر می‌خیزند.

⁷ James Joyce

⁸ Competitive

از جمله پژوهش‌های غیرایرانیان نیز می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: فوکو (194 *Discipline and Punish*) در مورد مسئله قدرت‌آرای خاصی ارائه می‌نماید و می‌گوید قدرت همه چیز است، همه چیز را خلق می‌کند، واقعیت، قلمرو و حدود و ثغور موضوع، نحوه کاربرد مفهوم صدق یا حقیقت را، حتی خود حقیقت نیز بدون تردید یکی از صور قدرت است. وی در پژوهشی دیگر (49 *Power/Knowledge*) معتقد است نباید گفتمان را صرفاً به معنای گروهی از نشانه‌های زبانی و یا یک متن طولانی بدانیم بلکه آن را به مثابه اعمالی بینگاریم که بر اثر سخن گفتن منظم دربارهٔ اشیاء، باعث به وجود آوردن و شکل‌بخشیدن آن اشیاء می‌شود.

فرکلاف و وندایک (۲۵۹) در پژوهش مشترک خود بر این باورند که آنچه تحلیل انتقادی گفتمان را متمایز می‌سازد این است که از طرف سرکوب‌شده و تحت‌سلطه قرار گرفته در برابر طرف سلطه‌گر پشتیبانی می‌کند. یورگنسن و فیلیپس (۲۰۰۲)، بلور و بلور (۱۹۳۵) و یانگ و فیتزجرالد (۲۰۰۶) نیز در این حوزه پژوهش‌هایی انجام داده‌اند.

از جمله پژوهش‌های انجام شده در باب ضرب‌المثل می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: آنطور که از مفهوم ضرب‌المثل در نزد عامه مردم استنباط می‌شود، عبارتی کوتاه است که پندی حکیمانه در معنای آن نهفته است. جامع‌ترین تعریف ضرب‌المثل (به نقل از برزن ۶) در فرهنگ سیزده جلدی آکسفورد (۵۲۰)، چنین آمده است: «ضرب‌المثل سخنی مختصر، متداول و حکیمانه، اغلب استعاری^۹ یا به شکل تجانس آوایی^{۱۰} است که حقیقتی را بیان می‌کند که به وسیله تجربه یا مشاهده ثابت شده و برای همگان شناخته شده است».

آریانفر (۱۳۸۵) به بررسی چگونگی عملکرد طرحواره‌ها در ضرب‌المثل‌های فارسی براساس چهارچوب معنی‌شناسی شناختی می‌پردازد و نحوهٔ درک انسان از اعضای بدن به عنوان پدیده‌هایی ملموس و نحوهٔ نمایان شدن این ادراکات تجسمی در حوزهٔ مفاهیم انتزاعی را مورد بررسی قرار می‌دهد، شاملو (۲۲۳ و ۲۲۴) به بررسی و مقایسهٔ سیمای زن و مرد و تحلیل آماری خصوصیات آنها در *امثال و حکم* می‌پردازد و عمل‌صالح (۲۰۰۲) به بررسی ضرب‌المثل‌های ایرانی پرداخته، بر اساس نظریه‌هاج و کرس^{۱۱} مقوله‌بندی زنان را در این ضرب‌المثل‌ها بررسی کند. از جمله پژوهش‌های غیرایرانیان در باب ضرب‌المثل‌ها نیز می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

⁹ Metaphorical

¹⁰ Aliteration

¹¹ Hodge and Kress

استورم^{۱۲} (۱۹۹۲) به بررسی نحوه بازنمایی زنان در ضرب‌المثل‌های ژاپنی پرداخته و با تقسیم‌بندی ضرب‌المثل‌های زنان به دو دسته قدیم (سنتی) و جدید و نظرسنجی از افراد از طریق پرسش‌نامه نحوه دیدگاه آنها نسبت به زنان و برجسته‌ترین ویژگی‌ها و صفات آنان را که در ضرب‌المثل‌های ژاپنی بازتاب یافته است درگذشته و حال با یکدیگر مقایسه می‌کند و فاکویا^{۱۳} (۲۰۰۷) ضرب‌المثل‌هایی را که دارای زمینه جنسی (توهین‌آمیز) هستند و ارتباط گفتمانی آنها در زبان یوروبای^{۱۴} (یکی از زبان‌های آفریقایی) را بررسی می‌کند.

چارچوب نظری

چارچوب پژوهش، رویکرد فرکلاف در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی است. اما نگارنده در برخی موارد برای توصیف متن (سطح توصیف) از جمله بررسی مقوله انسجام، از رویکرد هلیدی-متیسن (۲۰۰۴) نیز بهره گرفته است، بنابراین علاوه بر شرح رویکرد فرکلاف به عنوان چارچوب نظری اصلی، رویکرد هلیدی-متیسن در باب انسجام نیز ارائه می‌شود.

۱- رویکرد فرکلاف

رویکرد فرکلاف یک الگوی سه‌بعدی است که چهارچوبی تحلیلی برای تحقیق تجربی درباره ارتباطات و جامعه محسوب شده و مرجعی است که در نزاع علیه استثمار و سلطه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

از نظر فرکلاف، زبان یک کردار اجتماعی است. این تفکر در بردارنده چند مفهوم ضمنی است: ۱- زبان بخشی از جامعه است و خارج از آن نیست. ۲- زبان فرآیندی اجتماعی است. ۳- زبان یک فرآیند مشروط اجتماعی است؛ یعنی مشروط به سایر بخش‌های غیرزبانی جامعه است (22 *Language and Power*). وی همچنین معتقد است که ارتباط میان زبان و جامعه بیرونی نیست؛ بلکه درونی است و پدیده‌های زبان‌شناختی، پدیده‌های اجتماعی خاصی هستند و پدیده‌های اجتماعی (تأحدی) پدیده‌های زبان‌شناختی هستند. (همان ۲۳). نکته مهم و قابل توجه از دید فرکلاف این است که تمام پدیده‌های زبان‌شناختی، اجتماعی هستند، ولی عکس آن صادق نیست. پس رابطه میان زبان و جامعه، رابطه‌ای متقارن و یک به یک نیست؛ بلکه جامعه یک کل و زبان بخشی از آن است. (آقاگل‌زاده و غیاثیان ۴۱). او برای گفتمان سه عنصر در نظر می‌گیرد که عبارتند از متن،

¹² Hiroko Storm

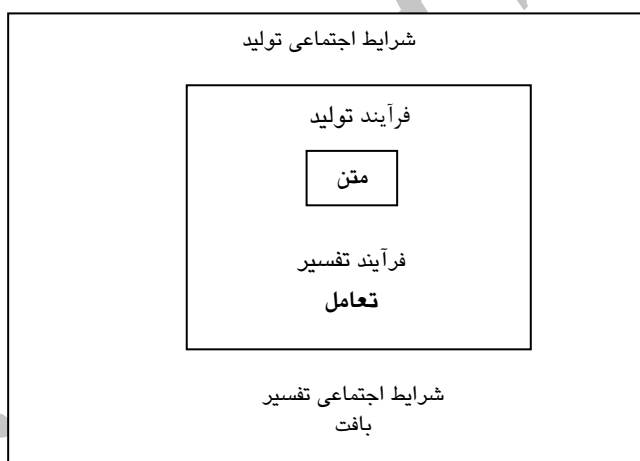
¹³ Fakoya

¹⁴ Yoruba

تعامل و بافت اجتماعی. فرآیند تعامل اجتماعی علاوه بر خود متن، شامل فرآیند تولید متن و فرآیند تفسیر است و متن، مرجع آن تفسیر به شمار می‌آید (Fairclough, *Language and Power* 24).

فرکلاف همچنین معتقد است که کاربرد زبان معمولاً در عین حال که سازنده هویت‌های اجتماعی است، روابط اجتماعی و نظام‌های دانش و باورها نیز توسط آن ساخته می‌شوند وی اولین هدف را که بیشتر جنبه نظری دارد، «کمک به تصحیح کم‌توجهی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت» و دومین هدف را که عملی‌تر است «کمک به افزایش آگاهی نسبت به اینکه چگونه زبان در سلطه بعضی بر بعضی دیگر نقش دارد» می‌داند؛ زیرا در نگاه او آگاهی اولین قدم به سوی رهایی است. (همان ۱).

شکل زیر گفتمان و عناصر تشکیل دهنده آن و تعامل این عناصر را با یکدیگر در رویکرد فرکلاف تصویر می‌کند:



نمودار ۱- گفتمان به مثابه متن، تعامل و بافت (همان ۲۵)

در قیاس با سه جنبه گفتمان (که در شکل فوق آمده)، فرکلاف (همان ۲۷ و ۲۶) سه مرحله را برای تحلیل گفتمان انتقادی از هم تمیز می‌دهد. در زیر هر یک از این مراحل به طور خلاصه شرح داده می‌شوند:

- توصیف: مرحله‌ای که با ویژگی‌های صوری متن ارتباط دارد.
- تفسیر: مرحله‌ای که به ارتباط میان متن و تعامل می‌پردازد؛ اینکه متن را محصول فرآیند تولید و منبع فرآیند تفسیر بدانیم.

• تبیین: مرحله‌ای که به بیان ارتباط میان تعامل و بافت اجتماعی می‌پردازد؛ اینکه چگونه فرآیندهای تولید و تفسیر تحت تأثیر اجتماع قرار دارند. در هر سه مرحله تحلیل وجود دارد؛ اما ماهیت آن در هر مرحله متفاوت است. مفاهیم کلیدی در رویکرد فرکلاف نیز عبارتند از: هژمونی، ایدئولوژی و قدرت، طبیعی‌سازی و خنثی‌شدگی که هر کدام آنها شرح داده می‌شوند:

هژمونی صرفاً سلطه نیست بلکه فرآیند مذاکره‌ای است که طی آن اجماعی بر سر معنا به وجود می‌آید. (هال و دیگران به نقل از ون‌دایک ۱۱۰)، قدرت نزد فرکلاف، نامتقارن، نابرابر و سلطه‌آور است و به طبقه یا گروه خاصی تعلق دارد، ایدئولوژی در نظر فرکلاف عبارتست از: «معنا در خدمت قدرت» (14 *Media discourse*)، اگر گونه‌گفتمان طوری بر نهادی مسلط باشد که سایر گونه‌های مسلط کاملاً سرکوب شوند یا جزئی از آن گردند، این مسأله موجب نمی‌شود تا آن گونه‌گفتمان، استبدادی به نظر آید؛ بلکه باعث می‌شود طبیعی و مشروع دیده شود. فرکلاف همچون سایر تحلیلگران گفتمان این پدیده را طبیعی‌شدگی می‌نامد و طبیعی‌شدگی با عقل سلیم ایدئولوژیکی رابطه دارد. در جریان فرآیند طبیعی‌شدگی گونه‌گفتمان و ایجاد عقل سلیم، گونه‌گفتمان ظاهراً ویژگی ایدئولوژیکی خود را از دست می‌دهد و تمایل دارد به جای اینکه به عنوان گونه‌گفتمان گروهی خاص در درون یک نهاد تلقی شود، صرفاً به عنوان گونه‌گفتمان خودنهاد در نظر گرفته شود. از این رو در نزاع بر سر قدرت، به نظر می‌رسد که خنثی باشد و خنثی‌شدگی نیز در حکم بیرون بودن از ایدئولوژی است. (همان ۹۲-۹۱) و (Critical Discourse Analysis and...321-329).

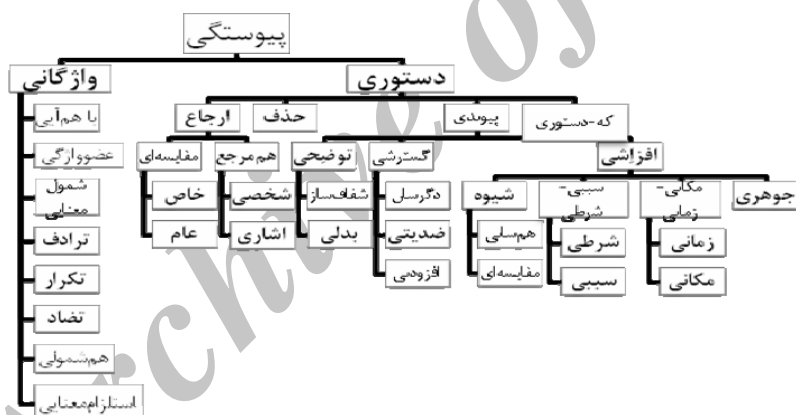
۲- رویکرد کارکردگرایی هلیدی-متیسن

در رشته زبان‌شناسی، شکل‌گیری مکاتب کارکردگرایی (نقش‌گرایی) و نظریات گفتمانی هلیدی بیشترین تأثیر را بر پیدایش تحلیل گفتمان داشته است. هلیدی در اواخر دهه هفتاد رویکردی را با نام زبان‌شناسی نقش‌گرایی نظام‌وار پایه‌گذاری کرد و در سال ۲۰۰۴ به همراه متیسن، دستور نقش‌گرا را بازبینی نمودند. در این رویکرد سه فراکارکرد عمده زبانی مطرح می‌شود که یکی از آنها، فراکارکرد متنی است و در این پژوهش بر آن تکیه می‌شود. منظور از فراکارکرد متنی بررسی زبان و به طور خاص، جمله‌واره^{۱۵} از دیدگاه ساخت پیام است (هلیدی و متیسن ۵۲۹).

¹⁵ Clause

از دیدگاه دستور کارکردگرای نظام‌وار این فراکارکرد به دو بخش ساختاری و غیرساختاری تقسیم می‌گردد. بخش اول به بررسی ساخت‌های مبتدایی و اطلاعی می‌پردازد و بخش دوم بررسی متن از نظر انسجام (پیوستگی - همبستگی) است (هلیدی و حسن ۲۹). انسجام سازوکار تعیین و تبیین این فراکارکرد تلقی شده و باعث ایجاد ارتباط و پیوند در متن می‌شود. در هر متن مجموعه‌ای از سامانه‌های دستوری - واژگانی وجود دارد که به طور خاص به عنوان منبعی برای فراتر بردن مرزهای یک جمله‌واره - حیطه بالاترین سطح واحد دستوری - فراگشت یافته‌اند. این سامانه‌های دستوری - واژگانی از فراکارکرد متنی نشأت گرفته و روی هم‌رفته به عنوان بخشی از سامانه انسجام (پیوستگی) شناخته می‌شوند (هلیدی و متیسن ۵۲۰).

پیوستگی به عنوان یکی از عوامل متنیت و ایجاد انسجام، مفهومی است واژگانی - دستوری^{۱۶} و به صورت یک طیف که به روابط معنایی و دستوری موجود در متن اشاره می‌کند و آن را به عنوان یک متن از غیرمتن مشخص می‌سازد. (همان ۵۲۳-۵۲۲).



نمودار بالا طرح کلی پیوستگی را نشان می‌دهد:

نمودار ۲- پیوستگی و انواع آن

شایان ذکر است که پژوهشگران به دلیل اهمیت و یا فراوانی بالای هم‌شمولی، تضاد و استلزام معنایی، آنها را به عوامل واژگانی و که دستوری را به عوامل دستوری اضافه کرده‌اند و در بررسی عامل پیوندی و انواع آنکه در نمودار ۲ (همان ۵۴۱) آمده است به دلیل

¹⁶ Lexico-grammatical

وجود جزئیات زیاد تنها تا مرحله دوم از این تقسیم‌بندی استفاده شده است و از ذکر نام تقسیم‌بندی‌های ریزتر اجتناب شده است.

بخش دیگر انسجام ناشی از همبستگی است که «پیوند بین گفتمان و موقعیتی است که گفتمان در آن رخ می‌دهد و یا به بافت گسترده‌تر فرهنگ اشاره دارد». (یانگ و فیتزجرالد ۱۲۹). به عبارتی بین پیوستگی و همبستگی تمایز وجود دارد، «همبستگی رابطه میان کارگفت‌های منظوری میان گزاره‌هاست در صورتیکه وی پیوستگی را پیوندهای بارز میان گزاره‌ها میداند» (ویدوسون ۲۶-۳۱). برای همین می‌توان گفت همبستگی وقتی ایجاد می‌شود که میان گزاره‌ها رابطه کارکردی برقرار باشد. بدین ترتیب پیوستگی ممکن است برای همبستگی لازم باشد ولی همبستگی الزاما وابسته به پیوستگی نیست و یک متن می‌تواند بدون داشتن پیوستگی همبسته باشد.

روش

پژوهش حاضر بیکره-بنیاد^{۱۷} و ترکیبی از روشهای تحقیق کیفی و کمی است. روش کیفی براساس چارچوب تحلیل انتقادی گفتمان (رویکرد نورمن فرکلایف) انجام می‌پذیرد. ضمن اینکه نگارنده از ابزارهای زبان‌شناسی نقش‌گرای نظام‌وار^{۱۸} و بالاخص رویکرد هلیدی-متیسن^{۱۹} (۲۰۰۴) در باب انسجام نیز بهره گرفته است. بیکره مورد نظر متشکل از ضرب‌المثل‌های انگلیسی در باب زن است که از فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد (42 عدد) استخراج شده است.

۱- روش کیفی

ابتدا ضرب‌المثل‌هایی که در آنها واژه woman و یا سایر کلمات مرتبط با زن از قبیل mother, girl, daughter و... به کار رفته و یا مفهوم آنها به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم به زن اشاره دارد، استخراج شد و پس از مطالعه کلیه مدخل‌های اصلی و فرعی در این فرهنگ و استخراج ضرب‌المثل‌های مورد نظر، براساس چگونگی ساختار، ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات به سه دسته ۱- یکسان، ۲- متفاوت- مشابه، و ۳- متفاوت، تقسیم شدند. منظور از ساختار

¹⁷ Corpus-based

¹⁸ Systemic Functional Linguistics (SFL)

استفاده از واژه «نظام‌مند» برای Systemic نادرست است زیرا «نظام‌مند» ترجمه مناسبی برای واژه Systematic است. از این رو معادل «نظام‌وار» پیشنهاد می‌شود.

¹⁹ Halliday-Matthiessen

یکسان در این فرهنگ یعنی یک ضرب‌المثل بیش از یکبار عیناً تکرار شود، ساختار مشابه- متفاوت به ساختاری اطلاق می‌شود که در آن ضرب‌المثل به لحاظ انتخاب واژه‌های به کار رفته در آن، انتخاب ابزارهای زبانی (مقوله‌های اصلی مثل فعل، اسم، صفت و...)، و یا نحوه چینش و ترتیب آنها در جمله به یکدیگر شباهت داشته، اما در عین حال یکسان نبوده و تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند، و ساختار متفاوت به ساختاری اطلاق می‌شود که در آن ضرب‌المثل‌ها نه به لحاظ انتخاب واژه، نه ابزارهای زبانی و نه ترتیب و چینش واژه‌ها هیچ‌گونه شباهتی به یکدیگر نداشته و کاملاً متفاوت از یکدیگر می‌باشند. پس از دسته‌بندی ضرب‌المثل‌ها، انواع سه‌گانه ساختار در این فرهنگ با استفاده از آزمون کراسکال و الیس با یکدیگر مقایسه و تحلیل شده‌اند.

مرحله بعدی، تحلیل ضرب‌المثل‌ها در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین براساس الگوی فرکلاف است که در بخش توصیف به تحلیل ویژگی‌های موجود در متن از قبیل مقوله انسجام، و استخراج ساختارهای گفتمان‌مدار، در بخش تفسیر به شناسایی نظم گفتمانی و مفاهیم کلیدی و سازنده این نظم در ضرب‌المثل‌ها و در بخش تبیین به شناسایی کلان‌ساختار اجتماعی حاکم و مقوله‌های خرد آن در این فرهنگ پرداخته می‌شود.

در تحلیل نحوه بازنمایی زن برای اجتناب از هرگونه قضاوت شخصی از سوی پژوهشگر، پرسشنامه‌ای (محقق - بنیاد) طراحی و برای پاسخگویی میان انگلیسی‌زبانان توزیع شده است. در این پرسشنامه کل ضرب‌المثل‌ها (۴۲ عدد) در پرسشنامه گنجانده شده‌اند و از گویشوران بومی انگلیسی‌زبان خواسته شده است تا براساس استفاده خود یا دیگران از این ضرب‌المثل‌ها در فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند و یا با آن روبرو هستند، چگونگی بازنمایی زن را در هر ضرب‌المثل در طیف چهارگزینه‌ای (مثبت، مثبت-منفی، خنثی و منفی) مشخص و انتخاب نمایند. شایان ذکر است که چون دسترسی به افراد انگلیسی‌زبان بسیار دشوار بوده است لذا جامعه آماری مورد نظر برای این بخش به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده است و پرسشنامه به صورت حضوری و یا از طریق ایمیل بین ۳۰ نفر زن و مرد دارای تحصیلات لیسانس و یا بالاتر، ساکن کشورهای مختلف انگلیسی زبان (انگلیس، کانادا، اسکاتلند و آمریکا) توزیع شده است. قابل ذکر آنکه متغیر نوع بومی (ملیت) در این پژوهش کنترل نشده است.

برای بررسی میزان روایی پرسشنامه‌های طراحی شده، ابتدا با طرح دو سؤال راجع به ۱- میزان مرتبط بودن پرسش‌های موجود در پرسشنامه با موضوع پژوهش و ۲- میزان قابل فهم بودن این پرسش‌ها، از ۷ نفر از استادان صاحب‌نظر در حوزه‌های زبان‌شناسی،

روانشناسی، جامعه‌شناسی، و زبان و ادبیات انگلیسی نظرخواهی شده و از آنها درخواست شده است که به هر یک از پرسش‌های موجود در پرسشنامه امتیاز بدهند. پس از بررسی نظرات استادان مورد نظر و محاسبه نمره میانگین، برخی از پرسش‌هایی که امتیازشان از میانگین کمتر بوده است، مورد اصلاح و بازبینی قرار گرفته‌اند.

۲- روش کمی

برای تحلیل انواع ساختار از آزمون کراسکال والیس، و برای محاسبه پایایی پرسشنامه از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. همچنین فراوانی مفاهیم کلیدی الگوی فرکلاف در این فرهنگ در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین بر حسب درصد محاسبه شده است.

- آزمون کراسکال والیس

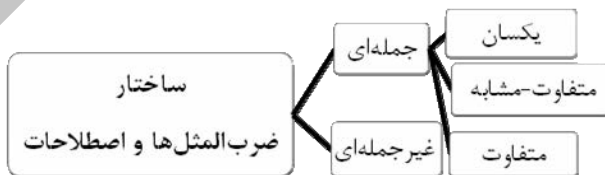
برای بررسی دقیق تفاوت‌ها و جلوگیری از پایین آمدن فراوانی‌ها مناسب‌ترین آزمون برای تحلیل داده‌ها در این بخش آزمون کراسکال والیس بوده است که نتایج آن نشان می‌دهد تفاوت معناداری بین آنها وجود دارد.

- آزمون آلفای کرونباخ

پس از طراحی و تأیید روایی پرسشنامه، میزان پایایی آن از روش همسانی درونی با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که میزان پایایی برای مقیاس‌های پرسشنامه ۰/۸۷ بدست آمده است، که این میزان نشان می‌دهد پرسشنامه مناسب و پایا بوده است. (میزان نرمال برای پایا بودن بسته به نوع پرسشنامه است و مقدار خاصی ندارد اما بهتر است از ۰/۶ به بالا باشد).

تحلیل داده‌ها و بحث

پس از گردآوری داده‌ها، ابتدا دسته‌بندی سه‌گانه از ساختار ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات در قالب نمودار زیر نمایش داده می‌شود:



نمودار ۳- انواع ساختار در ضرب‌المثل‌های فرهنگ آکسفورد

سپس فراوانی ضرب‌المثل‌ها در هریک از سه دسته در جدول زیر آورده شده است:
جدول ۱- فراوانی ضرب‌المثل‌ها براساس انواع ساختار در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد

ضرب‌المثل‌های آکسفورد	فرهنگ ساختار
٪ ۷۱/۴۲	یکسان
٪ ۱۴/۲۸	متفاوت و مشابه
٪ ۱۴/۲۸	متفاوت

همانطور که در جدول (۱) ملاحظه می‌شود فراوانی دسته یکسان از همه بیشتر است. نتایج آزمون کراسکال والیس در جدول زیر نیز نشان می‌دهد که تفاوت بین انواع ساختار در این فرهنگ معنادار است ($p < 0/01$). به عبارتی می‌توان گفت فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد تنوع و گستره محدودی دارد و بیشتر به تکرار ضرب‌المثل‌ها می‌پردازد.

جدول ۲- نتایج آزمون کراسکال والیس

متغیر	فرهنگ	تعداد	میانگین رتبه	درجه آزادی	خی‌دو	سطح معناداری
یکسان	ضرب‌المثل‌های آکسفورد	۱۲	۳۱/۲۵	۴	۳۵/۳۴	۰/۰۰۰۱
مشابه- متفاوت			۲۱/۵	۴	۴۸/۰۲	۰/۰۰۰۱
متفاوت			۱۷/۳۳	۴	۴۷/۲۱	۰/۰۰۰۱

تحلیل ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات در سطح توصیف

۱- ساختارهای گفتمان‌مدار

ساختارهای گفتمان‌مدار ساختارهای زبان‌شناختی و جامعه‌شناختی‌ای هستند که به‌کارگیری یا عدم به‌کارگیری آنها و یا تغییر و تبدیل آنها به صورت دیگر در گفته یا متن باعث می‌شود که از آن گفته برداشت‌های متفاوتی ممکن گردد، مطلبی پوشیده و مبهم شود یا برعکس، متن صراحت بیشتری پیدا کند و بخشی از گفته برجسته‌سازی شود و بخش دیگر

در حاشیه قرار گیرد (گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی ۱۴۴، ۱۵۱ و ۱۶۶). بنابراین واژه‌ها نیز از جمله ساختارهای گفتمان‌مدار محسوب می‌شوند. مهمترین ساختارهای گفتمان‌مدار در گفتمان ضرب‌المثلی مربوط به زنان عبارتند از: الف) واژه‌های مرتبط با زنان از جمله: اسامی خاص، شغل‌واژه‌ها، القاب، صفات، افعال و سایر واژه‌های مرتبط با زن، ب) واژه‌های خویشاوندی. در جداول زیر به انواع و فراوانی ساختارهای گفتمان‌مدار و زیربخش‌های آنها پرداخته می‌شود:

الف) کلمات مرتبط با زنان

جدول ۳- اسامی خاص زنان در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد

فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد	
فراوانی	اسامی خاص زنان
۵	Eve

جدول ۴- القاب زنان در ضرب‌المثل‌های آکسفورد

فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد	
فراوانی	القاب
۸	lady

همانطور که در جداول فوق مشاهده می‌شود فراوانی و تنوع واژگانی هر یک از زیربخش‌های دسته کلمات مرتبط با زنان در فرهنگ‌های انگلیسی نسبتاً کم است. اسامی خاص زنان و القاب هر یک تنها یک واژه (Eve و lady) وجود دارد که فراوانی این دو واژه به صورت جداگانه در جدول آورده شده است.

جدول ۵- صفات، افعال و سایر کلمات مختص به زن

فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد	
فراوانی	صفات، افعال و سایر کلمات مختص به زن
۵۹	woman
.	bride
۳	female

بر اساس جدول فوق فراوان‌ترین دسته از ساختارهای گفتمان‌مدار در میان واژه‌های مربوط به زنان مربوط به دسته صفات، افعال و سایر کلمات مختص به زن است و بالاترین فراوانی مربوط به واژه زن است.
 (ب) واژه‌های خویشاوندی

جدول ۶- واژه‌های خویشاوندی در ضرب‌المثل‌های آکسفورد

فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد	
فراوانی	واژه‌های خویشاوندی
۲۵	Wife
۱۵	Mother
۱	Grandmother
۱۰	Daughter

بعد از دسته صفات، افعال و سایر کلمات مختص به زن، بالاترین فراوانی در ضرب‌المثل‌های انگلیسی مربوط به واژه‌های خویشاوندی است. نکته قابل ذکر دیگر در خصوص جدول بالا این است که به ترتیب واژه‌های خویشاوندی همسر و سپس مادر بالاترین فراوانی را دارا هستند.

در ضرب‌المثل‌های آکسفورد ۵/۵۸ درصد کلمات مرتبط با زن، و ۳/۷۹ درصد واژه‌های خویشاوندی وجود دارد. با توجه به وجود ساختارهای گفتمان‌مدار و توزیع آنها در گفتمان ضرب‌المثلی، مخصوصاً واژه‌های خویشاوندی و کلمات مرتبط با زن، گویی ضرب‌المثل‌های زنان در این فرهنگ با خانواده و نظام خویشاوندی پیوند خورده‌اند و نظام خویشاوندی در قالب یک نظم گفتمانی خاص به این نوع از گفتمان شکل می‌بخشد. اما توزیع این ساختارها در این فرهنگ متفاوت است.

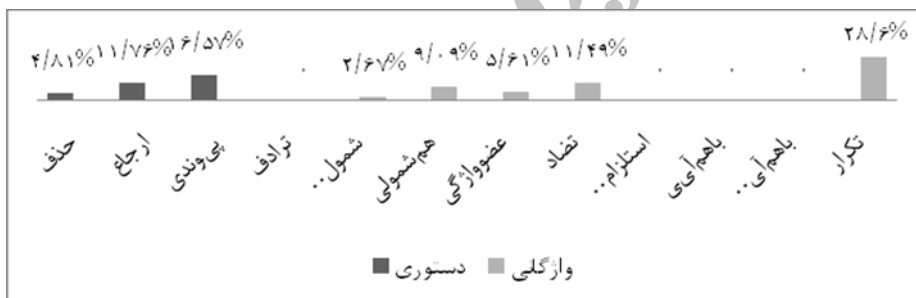
نکته قابل توجه در مورد این فرهنگ این است که در هیچ یک از ضرب‌المثل‌ها، هیچ دشواژه‌ای به کار گرفته نشده است. این مطلب را اینگونه می‌توان تفسیر کرد: دشواژه‌ها جزء لاینفک هر جامعه، فرهنگ و در نتیجه زبان آن فرهنگ است بنابراین نمی‌شود وجود آنها را پنهان و یا انکار کرد، پس می‌توان چنین نتیجه گرفت که این فرهنگ انگلیسی محدود شده و گزینشی عمل نموده است. چون چندین نمونه از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات انگلیسی نه در این فرهنگ بلکه در وبگاه‌ها و فرهنگ‌های دیگر وجود دارد که وجود دشواژه‌ها و استفاده

گوشوران انگلیسی از آنها را در زبان و در باب زن تأیید می‌کند. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

1. **Man, I gotta get me some nookie.** (*Dictionary of American Slang and Colloquial Expression*, 2007, (4th ed.), in <http://dictionary.reference.com/cite.html?qh=pussy&ia=sdic>).
2. **Fighting for peace is like fucking for virginity.** (<http://www.onelinerz.net/top-100-funny-one-liners/>).
3. **No woman will ever be satisfied because no man will ever have a chocolate penis that shoots out money.** (<http://www.quote-garden.com/women.html>)

۲- انسجام

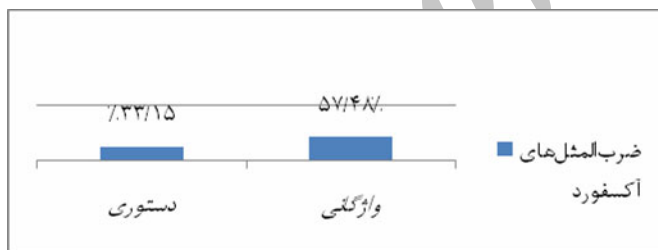
یکی از عواملی که متنیت و به دنبال آن گفتمانیت را در ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات نشان داده و تأیید می‌کند، انسجام است که خود متشکل از دو بخش پیوستگی و همبستگی است. از آنجا که بررسی این مقوله در سطح توصیف بسیاری از نکته‌ها و لایه‌های پنهان معنا و ساختار را آشکار می‌سازد، بنابراین پرداختن به آن اهمیت پیدا می‌کند. در زیر به بررسی پیوستگی، انواع و توزیع فراوانی آن در ضرب‌المثل‌های آکسفورد پرداخته می‌شود:



نمودار ۴- توزیع فراوانی انواع پیوستگی در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد با توجه به فراوانی عوامل مختلف پیوستگی در این فرهنگ، نکته قابل توجه دیگر در این فرهنگ این است که عوامل هم‌شمولی، تضاد، تکرار نسبت به سایر عوامل واژگانی، فراوانی بالاتری دارند. با بررسی این سه عامل دریافت می‌شود که در اکثر موارد (= از کل عوامل واژگانی) این سه عامل واژگانی به دلیل به کارگیری انواع مختلف واژه‌های خویشاوندی و کلمات مرتبط با زن در ضرب‌المثل‌ها پدیدار می‌شوند. این نکته خود گویای دو چیز است:

۱- روابط معنایی با استفاده از واژه‌های خویشاوندی در گفتمان ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات تقویت شده و بنابراین انسجام در آنها افزایش یافته و درک آنها توسط مصرف‌کنندگان زبان آسان می‌شود و این نتیجه را در پی دارد که بایستی ضرب‌المثل‌ها را با وجود کوتاه بودن و حتی گاهی نداشتن هیچ یک از عوامل پیوستگی مذکور (توضیح اینکه در فرهنگ *ضرب‌المثل‌های آکسفورد* ۱۱ مورد (معادل ۲۶/۱۹ درصد)، فاقد هرگونه عامل پیوستگی هستند که در این موارد عامل ایجاد انسجام کارکردی و مربوط به عامل همبستگی است و نه پیوستگی)، به عنوان یک از انواع متون در نظر گرفت و برای آن نوع خاصی از گفتمان قائل شد (رک: زاهدی و ایمانی، زیر چاپ (الف و ب) و زاهدی و ایمانی (۲۰۱۱)).

۲- وجود واژه‌های خویشاوندی و کلمات مرتبط با زنان علاوه بر انسجام بخشیدن به متن باعث ظهور ساختارهای گفتمان‌مدار، جهت‌دهی به ضرب‌المثل‌ها و در نتیجه ایجاد یک نظم گفتمانی خاص در آن می‌شود. در نمودار زیر نمای کلی پیوستگی دستوری و واژگانی در فرهنگ *ضرب‌المثل‌های آکسفورد* نمایش داده می‌شود:



نمودار ۵- توزیع فراوانی پیوستگی دستوری و واژگانی در فرهنگ *ضرب‌المثل‌های آکسفورد* همانطور که ملاحظه می‌گردد در *ضرب‌المثل‌های آکسفورد* فراوانی پیوستگی واژگانی بیشتر است.

تحلیل ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات در سطح تفسیر

در این سطح از تحلیل، بر کردار گفتمانی و نظم گفتمانی حاکم بر ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات زنان، نحوه توزیع مقوله‌های تشکیل دهنده این نظم گفتمانی و نحوه استفاده از آن (تولید و مصرف) در زبان تأکید می‌شود. «کردار گفتمانی فرآیندی است که افراد زبان را برای تولید و مصرف متون به کار می‌گیرند. در واقع این سطح واسطه متون با کردار اجتماعی است و در آن تحلیل گفتمان‌ها و ژانرها در تولید و مصرف متن مفصل‌بندی می‌شوند» (یورگسن و فیلیپس ۱۲۲).

نظم گفتمانی مجموع تمامی ژانرها و گفتمان‌هایی است که در یک قلمرو مشخص اجتماعی به کار گرفته شده‌اند و بنابراین نظامی است که توسط نمونه‌های مشخص کاربرد زبان شکل گرفته و به آنها شکل می‌بخشد (همان ۱۲۶). با توجه به ویژگی‌های زبانی موجود در ضرب‌المثل‌ها و تحلیل‌های انجام شده در سطح توصیف، نظم گفتمانی غالب در این نوع از گفتمان، نظام خویشاوندی است. ابتدا توضیحاتی در باب نظام خویشاوندی، انواع آن و مفاهیم موجود در آن ارائه می‌شود و سپس این نظام و مفاهیم آن را در گفتمان ضرب‌المثل‌های آکسفورد پیاده کرده، و با ذکر نمونه‌هایی به تحلیل آنها پرداخته می‌شود.

نظام خویشاوندی مفهومی است که از اوایل قرن بیست و بیشتر در حوزه مردم‌شناسی مطرح شد و یکی از بنیادی‌ترین اصول برای سازماندهی کردن افراد در گروه‌ها، نقش‌ها، طبقه‌ها و نسب‌شناسی است که توسط الگوهای رفتار و طرز فکر و در رابطه با تفاوت در اصطلاح‌شناسی در اشاره به نوع روابط و همچنین نحوه خطاب دیگران، ساخته می‌شود. «مفهوم نظام خویشاوندی وجود روابط بین نسل‌ها و مجموعه‌ای از پیوندهای خونی (قرابت نسبی)، قراردادی (قرابت سببی) یا حقوقی (فرزندخواندگی) را بیان می‌کند» (هاشمی ۹۶). در حالی که در زیست‌شناسی فقط وراثت و جفت‌گیری را شامل می‌شود. نگارنده نیز همسو با تعریف این نظام در مردم‌شناسی به سه نوع خویشاوندی (نسبی، سببی و فرزندخواندگی) قائل است و براساس مفاهیم کلیدی موجود در نظام خویشاوندی (خانواده، ازدواج، پدرتباری / مادرتباری، برون‌همسری / درون‌همسری، چندهمسری / تک‌همسری و لویرا / سورورا) به تحلیل داده‌ها می‌پردازد.

۱- نظم خویشاوندی

الف) خانواده

خانواده به عنوان اولین و پایدارترین گروه اجتماعی رکن اصلی جوامع به شمار می‌آید. «خانواده مرکب از افرادی است که بر اساس ازدواج، خویشاوندی یا پذیرش فرزند به دور هم جمع می‌شوند. اجزای این خانواده عبارتند از: زن و شوهر، والدین و فرزندان، خواهران و برادران و گاهی خدمتکاران» (فرید ۱۶۷).

نمونه‌ها:

در فرهنگ آکسفورد، خانواده و نظام خویشاوندی نقش پررنگی دارد. از مجموع کل ضرب‌المثل‌ها در باب زن، ۳۰/۹۵ درصد به توصیف و بازنمایی خانواده در نظام خویشاوندی اختصاص یافته است در زیر نمونه‌هایی از فرهنگ مورد بررسی در این پژوهش ارائه می‌شود:

1. A deaf husband and a blind wife are always a happy couple.

(فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد 72.63، 148، 161 و 345)

در این ضرب‌المثل وجود دو واژه خویشاوندی wife و husband نقش خانواده را پررنگ می‌کند و به وجود نوع و چگونگی روابط بین آنها اشاره دارد. دیدن برخی اشتباهات و خطاها توسط زن که مرد مرتکب می‌شود و شنیدن برخی گفته‌ها توسط مرد که زن به زبان می‌آورد باعث بروز برخی اختلافات و رنجش‌ها در خانواده می‌شود.

2. He that will thrive must first ask his wife (همان 117، 319، 345)

در ضرب‌المثل فوق علاوه بر وجود واژه خویشاوندی wife و توصیف خانواده، بر نقش محوری زن و اهمیت مشورت با او در خانواده تأکید شده و مشورت با او عامل ترقی و پیشرفت تلقی شده است.

3. Praise the child, and you make love to the mother (197، 217، 256).

در این ضرب‌المثل نقش مادر و فرزند در خانواده و عشق و دلبستگی مادر به فرزند نمایانده می‌شود و البته به نوعی گویای یک طرفند و ظاهرسازی در به دست آوردن دل مادر و کسب رضایت اوست.

(ب) ازدواج

از جمله مقوله‌های مهم دیگر در نظام خویشاوندی ازدواج است که در زیر نمونه‌هایی ذکر می‌شود.

نمونه‌ها:

در ضرب‌المثل‌های زنان، ۱۴/۲۸ درصد در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد به مقوله ازدواج اختصاص یافته است. در زیر چند نمونه ذکر می‌شود:

1. Choose not a woman, nor linen clothe by the candle (53).

در این ضرب‌المثل بر دقت در انتخاب همسر تأکید می‌شود و مقایسه او با دستمال (کهنه کتان) درجه‌ای از معنای منفی و حساسیت زیاد نسبت به زن را در ذهن ایجاد می‌کند.

2. If you would be happy for a week take a wife (185، 343، 345).

ضرب‌المثل فوق مفهومی دوگانه دارد، از یک سو همسر (زن) باعث خوشحالی است و از یکسو برای این خوشحالی زمان و مدتی خاص تعیین شده است (یک هفته و نه بیشتر) که این موضوع به نوعی کالایی‌شدن و ثانویه بودن زن را نشان می‌دهد. یعنی زن وسیله‌ای است برای حفظ شادی و تأمین نیاز مرد آن هم به صورت موقت.

3. It is unlucky for a woman to marry a man whose surname begins with the same letter as her own (50).

ضرب‌المثل فوق به برخی از اعتقادات خرافی در باب ازدواج اشاره دارد و یکسان بودن حرف اول نام خانوادگی زن و مرد را شوم می‌داند.

ج) پدرتباری/مادر تباری

نظام خویشاوندی در فرهنگها و جوامع مختلف به دو صورت مادرتباری و یا پدرتباری وجود دارد. در انگلیسی چون انتقال تبار اعضای خانواده از سوی خط پدری صورت می‌گیرد، نظام خویشاوندی از نوع پدرتبار است. نمونه‌ها:

نظام خویشاوندی انگلیسی از این لحاظ که تبار و نام‌خانوادگی از سوی خط پدر انتقال می‌یابد، از نوع پدرتباری محسوب می‌شود اما در پیکره مورد بررسی تنها یک نمونه در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد برای وجود و بروز پدرتباری در زبان انگلیسی یافت شد که معادل ۲/۲۸ درصد از این فرهنگ می‌باشد.

1. People knew a man by the company he kept, but they generally knew a woman by the man who kept her (59) .

د) تک‌همسری/چندهمسری و درون‌همسری/برون‌همسری
نمونه‌ها:

از آنجا که در نظام خویشاوندی انگلیسی، نظام تک‌همسری حاکم است برای مقوله چندهمسری و همچنین برون‌همسری/درون‌همسری، هیچ نمونه‌ای در فرهنگ بررسی شده یافت نشد. ه) لویرا و سورورا
نمونه‌ها:

برای این مقوله نیز در فرهنگ بررسی شده در این پژوهش هیچ نمونه‌ای یافت نشد.

۲- بازنمایی زن و جنسیت در نظام خویشاوندی انگلیسی

در زبان انگلیسی بسته به نقش‌ها و موقعیت‌های اجتماعی مختلف، زنان به چهار صورت مثبت، مثبت و منفی، خنثی و منفی بازنمایی می‌شوند که براساس نظرات افراد انگلیسی زبان از طریق پرسشنامه گردآوری شده است. در زیر فراوانی هر یک از این شیوه‌های بازنمایی محاسبه شده، در جدول زیر آورده شده است و سپس نمونه‌هایی ارائه می‌گردد. جدول ۷- فراوانی شیوه‌های بازنمایی زن در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد

فرهنگ	شیوه
مثبت	۲۱/۴۲٪
مثبت و منفی	.
خنثی	۲۸/۰۹٪
منفی	۲۸/۰۹٪

الف) بازنمایی مثبت:

1. A woman without a man is like a fish without a bicycle (350 و 202، 119، 25) .

ضرب‌المثل فوق نمایانگر استقلال زنان از مردان و آزادی و عدم وابستگی آنها به زنان است و این مفهوم و بازنمایی مثبت از زن با استفاده از واژه ماهی و عدم نیاز او به دوچرخه (امری بدیهی راجع به ماهی و عدم نیاز او به دوچرخه و تا حدی همراه با تمسخر و کنایه) نشان داده شده است. این ضرب‌المثل نشان‌دهنده عدم تسلط مردان بر زنان و قدرت زنان و جایگاه و هویت مستقل آنها در جامعه است.

2. Caesar's wife must be above suspicion (335 و 308، 55، 42) .

ضرب‌المثل فوق نوعی اختلاف طبقاتی و توزیع نابرابر قدرت در میان زنان را نشان می‌دهد. همسر سزار به عنوان زنی از طبقه اشراف و نجیب‌زادگان از سایر زن‌های معمولی جامعه متمایز شده و قدرت و ارجحیت بیشتری یافته و از مورد سوءظن واقع شدن مستثنی شده است.

3. Faint heart never won fair lady (351 و 176، 108، 107، 72) .

زن در این ضرب‌المثل به صورت موجودی ارزشمند و دست‌نیافتنی توصیف و بازنمایی شده که مرد برای به دست آوردن او باید جسور و شجاع و قوی باشد.

4. He that will thrive must first ask his wife (345 و 319، 117) .

مشورت کردن مرد با زن در این ضرب‌المثل به عنوان عاملی برای پیشرفت و ترقی مرد محسوب شده است. و این نشان از اهمیت و جایگاه مثبت زن در جامعه و خانواده و در نزد مرد دارد. یعنی وجود زن در جامعه و خانواده امری ضروری و مهم و مثبت تلقی شده که مانع تسلط مرد بر زن و نابرابری و تبعیض آنها در جامعه است.

5. My son is my son till he gets a wife, but my daughter's my daughter all the days of her life (345 و 293، 185، 70، 69) .

مقایسه دختر و پسر در خانواده، برتر و بهتر پنداشتن دختر در مسائل عاطفی و وفاداری، توجه به پدر، مادر و خانواده خود حتی پس از ازدواج و برتری او نسبت به پسر در نزد پدر و مادر و خانواده در این ضرب‌المثل نمایان می‌شود.

6. Praise the child, and you make love to the mother (256 و 217، 197) .

بازنمایی مثبت مادر و توصیف عشق و دلبستگی مادرانه به فرزند در این ضرب‌المثل نشان داده می‌شود که گواهی است بر برتری و جایگاه بالاتر مادر نسبت به سایر زنان در جامعه.

ب) بازنمایی مثبت و منفی:

1. A woman's work is never done (353 و 351) .

در ضرب‌المثل فوق زن به گونه‌ای توصیف شده است که کار او در مقایسه با مرد ناتمام و ناقص است و بنابراین منفی تلقی می‌شود و از طرف دیگر می‌توان این گونه برداشت کرد که زنان چه در منزل و چه بیرون از خانه همیشه فعال و مشغول انجام کار هستند و بنابراین نسبت به مرد و یا سایر اعضای خانواده فعال‌تر و پرجنب و جوش‌ترند.

2. If you would be happy for a week take a wife (345 و 343 ، 185) .

همانطور که در بخش‌های قبلی هم گفته شد ضرب‌المثل فوق مفهومی دوگانه دارد، از یک سو همسر (زن) باعث خوشحالی است و از یک سو برای این خوشحالی زمان و مدتی خاص تعیین شده است (یک هفته و نه بیشتر).
(ج) بازنمایی خنثی:

1. A blind man's wife needs no paint (345 و 244 ، 202 ، 30) .

این ضرب‌المثل به لحاظ بازنمایی‌ای که از زن ارائه می‌کند خنثی است و به یک امر منطقی و مرسوم در جامعه در مورد زن و مرد اشاره دارد. زن و مرد خود را برای یکدیگر آراسته می‌کنند و این امر برای هر دو خوشایند و مرسوم است حال اگر همسر (زن یا شوهر) نابینا باشد، منطقاً آراسته‌سازی (در اینجا زن) به چشم نمی‌آید و ضرورتی پیدا نمی‌کند.

2. Better be an old man's darling, than a young man's slave

(237 ، 202 ، 69 ، 20 ، 356 ، 340 ، 290) .

ضرب‌المثل فوق خود زن را توصیف و بازنمایی نمی‌کند بلکه حاوی یک پند (توصیه) به زنان درباب ازدواج و انتخاب همسر است. زن بهتر است بدون در نظر گرفتن سن، با مردی ازدواج کند که در نزد او شیرین و دوست‌داشتنی باشد و نه مطیع و برده‌ او. نکته دیگر اینکه این ضرب‌المثل توزیع نابرابر قدرت و تسلط مرد بر زن را نفی می‌کند و از این نظر دارای مفهومی مثبت و مبارزه‌ای است با آن دسته از برساخت‌های اجتماعی که بر اساس کلیشه‌های جنسیتی و مفروضات عقل سلیمی استوارند و سعی بر قائل شدن تسلط و قدرت بیشتر برای مرد دارند.

3. Don't teach your grandmother to suck eggs (140) .

در این ضرب‌المثل واژه مادر بزرگ حالتی نمادین دارد و صرفاً به شخص مادر بزرگ اشاره ندارد. مادر بزرگ نماد تمام افراد باتجربه و دانا است که کار خود را به درستی می‌دانند، انجام می‌دهند و لزومی به یادآوری و یا آموزش ندارند. بنابراین در توصیف زن (مادر بزرگ) خنثی است. اما از این لحاظ که انسان باتجربه و کاردان در قالب زن (مادر بزرگ) آورده شده است مفهومی مثبت را در ذهن تداعی می‌کند.

4. England is the paradise of women (351 , 283 , 260 , 244 , 158 , 153) .

در ضرب‌المثل فوق خود زن به صورت خاصی توصیف نمی‌شود بلکه مکان او و شرایطی که در آن است به صورت مثبت توصیف می‌شود. یعنی زن در انگلستان مکان‌نمایی می‌شود و با استفاده از واژه بهشت در توصیف شرایط انگلستان ا عراق می‌شود به گونه‌ای که زن در آن بسیار خوشبخت و راضی نمایانده می‌شود.

5. The wife is always the last one to find out (161) .

این ضرب‌المثل به شرایط و روابط بین دو همسر اشاره دارد که تا چه اندازه از مسائل یکدیگر باخبر هستند و یکدیگر را مطلع می‌سازند. در این مثال زن کاملاً ناآگاه توصیف می‌شود و آخرین کسی است که مطلع می‌شود. در این گونه موارد به آسانی نمیتوان قضاوت نمود که آیا عدم مطلع‌سازی زن توسط شوهر مثبت است یا منفی؟ چون خود زن به تنهایی در این ضرب‌المثل بازنمایی نمی‌شود. و شاید به همین دلیل بسیاری از افراد انگلیسی‌زبانی که در این نظرسنجی شرکت نمودند این ضرب‌المثل را خنثی در نظر گرفته‌اند.
(د) بازنمایی منفی:

1. A whistling woman and a crowing hen are neither fit for God nor men (351 و 345 , 153 , 133 , 66) .

در ضرب‌المثل فوق زن به عنوان موجودی غرزننده و کسی که مدام زوزه و ناله می‌کند توصیف شده است و از طرف دیگر مقایسه او با مرغی که مدام قدقد و سرو صدا می‌کند و نسبت دادن شباهت او به مرغ، باعث ایجاد تصویری بسیار منفی از زن می‌شود. این توصیفات منفی از زن باعث عدم کارایی او برای خدا و مرد (همه) شده است. بیان کارایی زن برای مرد از طرفی خود گواهی بر تسلط مرد بر زن و قدرت بیشتر او دارد. یعنی زن برای مرد آفریده شده و کارایی او هم برای مرد است و در صورت عدم این کارایی و کارکردها، موجودی بی‌مصرف و بی‌ارزش تلقی می‌شود.

2. The female of the species is more deadly than the male (297 و 200 , 112) .

در ضرب‌المثل فوق تبعیض و نابرابری جنسیتی بین زن و مرد در جامعه آشکارا بیان می‌شود. جنس زن (همه زنان) نسبت به مرد کشنده و منفی توصیف می‌شود. این امر خود نشان از ایدئولوژی تبعیض جنسیتی حاکم بر جامعه و نابرابری جایگاه و قدرت بین زن و مرد است.

3. A woman and a ship ever want mending (350 و 284 , 267 , 209) .

در این ضرب‌المثل زن با کشتی مقایسه شده است و وجه اشتراک آنها آسیب‌پذیری است. استفاده از واژه ever بر آسیب‌پذیری زن دامن زده و ناتوانی و ضعیف بودن زن را همیشگی

می‌داند. به عبارتی زن نسبت به مرد همیشه ناتوان‌تر، ضعیف‌تر و آسیب‌پذیر است. این ضرب‌المثل گواهی است بر ساختار ایدئولوژیک و دیدگاه‌های فکری - فرهنگی موجود در جامعه در باب زن که نسبت به مرد جایگاه و قدرت کمتری دارد. این نوع ساختارهای اجتماعی - فرهنگی اغلب بدیهی در نظر گرفته می‌شوند و سعی بر این دارند که مرد را مسلط و قدرتمند نگه‌دارند.

4. A woman, a dog, and a walnut tree, the more you beat them the better they be
(15 ، 83 ، 326 ، 339 و 350) .

ضرب‌المثل فوق نیز تسلط مرد بر زن و به نوعی خشونت علیه زنان را نمایان می‌سازد. مرد می‌تواند برای اصلاح و تربیت زن حتی برخورد فیزیکی داشته باشد. از طرفی مقایسه او با سگ و درخت گردو، بر بار معنایی منفی این ساختار می‌افزاید و تبعیض و نابرابری بین زن و مرد و جایگاه‌های متفاوت آنها را در جامعه نمایان می‌سازد.

5. Silence is a woman's best garment (19 ، 127 ، 287 و 351) .

در این ضرب‌المثل نیز با استفاده از کلیشه‌های جنسیتی در باب زن (پرحرف بودن)، از زن انتقاد می‌شود و به او توصیه می‌شود که کمتر سخن بگوید. با استفاده از تشبیه سکوت به بهترین لباس (جامه) برای زن، سعی شده است که پرحرف بودن زنان امری مسلم و بدیهی فرض شده - یعنی به نوعی هژمونیک شده تا هیچ‌کس آن را انکار نکرده و این انتقاد را راجع به پرحرف بودن زن بپذیرد. از طرفی لباس چیزی است که زنان نسبت به مردان بیشتر به آن توجه می‌کنند و سعی می‌کنند در انتخاب آن دقت و تنوع بیشتری داشته باشند.

۲- مکان‌نمایی زن و جنسیت در نظام خویشاوندی انگلیسی

در این فرهنگ در برخی موارد زن و جنسیت در مکانی خاص بازنمایی شده‌اند اما تنوع مکان‌هایی که در آنها زن توصیف شده است کم است. در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد ۱۶/۶۶ درصد مکان‌نمایی زن و جنسیت یافت شد. در زیر نمونه‌هایی ارائه می‌شود:

1. A woman's place is in the home (15 و 298 ، 251 ، 156 و 350 و از تی‌سی 15) .

اشاره به مکان‌نمایی زن در خانه و نوعی تبعیض و نابرابری جنسیتی بین زن و مرد.

2. England is the paradise of women (153 ، 158 ، 244 ، 260 ، 283 و 351) .

مکان‌نمایی زن در انگلستان و عراق در توصیف مثبت این مکان برای زن با به کارگیری تشبیه این مکان با بهشت.

3. Hell hath no fury like a woman scorned (15 ، 126 ، 279 و 351) .

توهین و تحقیر زنان در این ضرب‌المثل به آتشی تشبیه شده که در جهنم مکان‌نمایی شده است. این ضرب‌المثل با به کارگیری این تشبیه به شدت از تبعیض و نابرابری و کوچک شمردن زن انتقاد کرده و بر حفظ و تثبیت جایگاه و قدرت زنان در جامعه تأکید می‌کند.

جدول ۸- فراوانی و انواع مکان‌نمایی زن در فرهنگ آکسفورد

فرهنگ	مکان	خانه	انگلستان	عروش (بهشت) ^{۲۰}	جهنم
	ضرب‌المثل‌های آکسفورد	% ۴/۷۶	% ۴/۷۶	% ۲/۳۸	% ۴/۷۶

همانطور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود تعداد مکان‌هایی که در آنها زن مکان‌نمایی شده است کم است. اما بالاترین میزان فراوانی به مکان‌نمایی زن در خانه اختصاص یافته است که تاحدی محدودیت زن را نشان می‌دهد و نیاز به داشتن توانایی‌ها و قابلیت‌های چندانی ندارد. در حالیکه مرد بیشتر در مکان‌هایی مثل بیرون از خانه و محل کار (شرکت) نمایانده می‌شود. این نحوه مکان‌نمایی زن و مرد گرچه تاحدی مربوط به تفاوت‌های زیست‌شناختی دو جنس است و بنابراین تاحدی منطقی است اما در برخی موارد حاکی از قائل بودن سهم بیشتری از قدرت، جسارت، شجاعت و توانایی‌های فکری و جسمی برای مرد و در نتیجه برتری و سلطه او بر زن است که به توزیع نابرابر مناسبات قدرت و ایدئولوژی تبعیض و نابرابری جنسیتی در گفتمان آکسفورد دامن می‌زند.

۴- قدرت و نحوه توزیع آن در نظام خویشاوندی انگلیسی

قدرت یکی از مفاهیم کلیدی در تحلیل گفتمان انتقادی است که فرکلاف به آن می‌پردازد. برخلاف فوکو که قدرت را نیرویی مثبت و سازنده تلقی می‌کند، قدرت از نظر فرکلاف همیشه سلطه‌آور و سرکوبگر است و باعث تسلط فرد یا گروهی بر افراد یا گروه‌های دیگر می‌شود. در ضرب‌المثل‌های انگلیسی درباب زن نیز قدرت به گونه‌های مختلف و به صورت نابرابر بین زن و مرد توزیع شده است. که در زیر به دسته‌بندی و چگونگی توزیع آن در انگلیسی پرداخته می‌شود. برای بررسی مقوله قدرت، ابتدا نحوه توزیع قدرت بین زن و مرد به طور عام و در نظام خویشاوندی در چهار بخش جنسیت، خطاب، استعاره و توانایی جسمی و فکری مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد و سپس این مقوله در بین زنان (جایگاه‌ها و نقش‌های مختلفی که زن ایفا می‌کند)

²⁰ Heaven

مورد بررسی قرار می‌گیرد. در زیر ابتدا نمونه‌هایی برای هر یک از این دسته‌ها ذکر می‌شود و سپس جداول و نمودارهای مربوط به فراوانی و سایر تحلیل‌ها در باب قدرت ارائه می‌شود. در زیر چند نمونه از ضرب‌المثل‌هایی که توزیع نابرابر قدرت به نفع مرد و به نوعی تسلط او بر زن را نشان می‌دهند، ذکر می‌شود:

الف) توزیع قدرت بین زن و مرد:

در این فرهنگ ۱۴/۲۸ درصد، توزیع نابرابر قدرت بین زن و مرد یافت می‌شود.

• حوزه جنسیت

1. The female of the species is more deadly than the male (297 و 200 ، 112) .
2. People knew a man by the company he kept, but they generally knew a woman by the man who kept her (59) .
3. A woman, a dog, and a walnut tree, the more you beat them the better they be (350 و 339 ، 326 ، 83 ، 15) .
4. A man is as old as he feels, and a woman as old as she looks (351 و 237 ، 200 ، 193 ، 112) .

همانطور که مشاهده می‌شود در موارد فوق تسلط مرد بر زن و قدرت بیشتر او نسبت به زن به خوبی نمایان است.

• حوزه خطاب

در حوزه خطاب در هیچ یک از فرهنگ‌های انگلیسی مورد نظر هیچ نمونه‌ای که نابرابری قدرت بین زن و مرد را در این حوزه نشان دهد، یافت نشد.

• حوزه استعاره

در چند نمونه از ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات انگلیسی، واژه زن یا کلمات مرتبط با آن در معنای واقعی یا به عبارتی دقیق‌تر زیست‌شناختی به کار نرفته‌اند بلکه حالت استعاری دارند و نکته جالب‌تر اینکه در تمامی مواردی که به اصل، ریشه و یا منشأ چیزی اشاره می‌شود واژه مادر به کار گرفته می‌شود و در یک مورد نیز کل انسانها و بشریت به صورت مؤنث و در قالب زن توصیف شده و از واژه breast استفاده می‌شود.

در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد ۷/۱۴ درصد، برای بازنمایی استعاری براساس جنسیت زن و در نتیجه برتری و قدرت بیشتر جنس زن یافت شد. در زیر نمونه‌هایی از هر دو فرهنگ برای توزیع نابرابر قدرت بین زن و مرد و تسلط جنس زن ذکر می‌شود:

1. Diligence is the mother of good luck (217 و 198 ، 139 ، 78) .

2. Necessity is the mother of invention (223 ، 217 ، 166) .

3. The mother of mischief is no bigger than a midge's wing (348 و 217 ، 211 ، 210) .

• حوزه توانایی جسمی و فکری

براساس توانایی جسمی و فکری زن و مرد و چگونگی بازنمایی آنها، قدرت به صورت متفاوتی بین آن دو توزیع می‌شود. در این حوزه در فرهنگ‌های انگلیسی مورد بررسی در ۴/۷۶ درصد از فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد براساس عامل توانایی جسمی و فکری مرد یا زن برتر و مسلط بر دیگری توصیف شده و در نتیجه دارای قدرت بیشتری است. در زیر دو نمونه برای این مقوله ذکر می‌شود.

نمونه اول قدرت و توانایی بیشتر زن در افسونگری و جذب مرد را نشان می‌دهد. در نتیجه در اینجا زن به عنوان کسی که مرد را جذب و تحت سلطه خود در می‌آورد توصیف شده است. اما در نمونه دوم بالعکس مرد را مسلط و قدرتمندتر در حوزه توانایی‌های جسمی و فکری توصیف می‌کند و به این مطلب اشاره می‌کند که افزایش سن در کاهش توانایی‌های مردان چندان تأثیری ندارد و آنها تا هر زمان که احساس جوانی و قوی بودن داشته باشند چنین‌اند اما زن‌ها با افزایش سن شکسته و ضعیف می‌شوند بنابراین مردان از قدرت بیشتری برخوردارند.

1. One hair of a woman draws more than a hundred yoke of oxen (15) .

2. A man is as old as he feels, and a woman as old as she looks.

(351 و 237 ، 200 ، 193 ، 112) .

(ب) توزیع قدرت بین نقش‌های مختلف زن

توصیف و نمایش قدرت در بین زنان در فرهنگ مورد بررسی بسیار کم و محدود به یک نمونه در ضرب‌المثل‌های آکسفورد (۲/۳۸ درصد) است. تنوع زیادی در توصیف زنان و توزیع قدرت در بین آنها در این فرهنگ وجود ندارد و این خود نشان از محدود بودن و فردی بودن نظام خویشاوندی انگلیسی است.

1. Caesar's wife must be above suspicion (345 و 308 ، 42) .

۵- طبیعی‌سازی و خنثی‌شدگی در نظام خویشاوندی انگلیسی

در این فرهنگ نمونه‌هایی از طبیعی‌سازی و خنثی‌شدگی در توصیف برخی پدیده‌ها در زبان که ریشه در ایدئولوژی و دیدگاه‌های فکری - اجتماعی حاکم بر جامعه دارد، یافت می‌شود. از جمله نمونه زیر:

1. A woman's place is in the home (350 , 298 , 251 , 156) .

در این ضرب‌المثل با تعیین مکان و جایگاه اصلی زن و محدود کردن او به خانه، سعی بر بدیهی و طبیعی جلوه دادن این امر شده است تا توسط همگان پذیرفته شود و بار ایدئولوژیک خود را به مرور زمان از دست دهد. در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد ۲/۲۸ درصد برای توصیف و بازنمایی زن و جایگاه او، از مقوله طبیعی‌شدگی و خنثی‌شدگی استفاده شده است.

۶- ایدئولوژی و هژمونی در نظام خویشاوندی انگلیسی

در زیر نمونه‌هایی از به کارگیری ایدئولوژی و هژمونی در توصیف و بازنمایی جنسیت و قدرت و نحوه بازتاب آن در زبان مشاهده می‌شود که ریشه در دیدگاه‌های فکری-اجتماعی حاکم بر جامعه دارد. از جمله نمونه‌های زیر:

1. England is the paradise of women (351 و 283 , 260 , 244 , 158 , 153) .

2. A woman's place is in the home (15 سی و 350 و 298 , 251 , 156) .

در این دو نمونه با توصیف عراق‌آمیز انگلستان به بهشت و تعیین مکان و جایگاه اصلی زن و محدود کردن او به خانه، سعی بر قبولاندن و بدست آوردن نوعی اجماع و توافق همگان بر سر این نوع توصیف از زن شده است. در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد 4/76 درصد مقوله هژمونی در مورد نحوه بازنمایی جنسیت و قدرت وجود دارد.

تحلیل ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات در سطح تبیین

۱- نقش میان‌متنیت و میان‌گفتمانیت در ساختار زبانی و اجتماعی انگلیسی‌زبانان

ضرب‌المثل‌های زنان به دلیل کوتاه بودن و در عین حال پرمحتوا بودن توسط گویشوران هر زبان برای تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب خود در موقعیت‌های مختلف استفاده می‌شوند. گاه ضرب‌المثل‌ها توسط مصرف‌کنندگان زبان بازتولید شده و گاه ساختاربندی مجدد شده - از ویژگی‌های سایر متون و گفتمان‌ها بهره گرفته و با آنها تلفیق می‌کنند که به این پدیده‌ها میان‌متنیت و میان‌گفتمانیت گفته می‌شود. مثل مواردی که یک ضرب‌المثل و یا اصطلاح در قالب یک شعر، حکایت و یا واژه‌ها و ساختار مذهبی بیان می‌شود و یا به آنها اشاره دارد. فرهنگ آکسفورد کمتر از میان‌متنیت و میان‌گفتمانیت بهره گرفته است و به جز موارد بسیار معدود در اشاره به شخصیت‌های تاریخی و یا اشاره به متون ادبی، موارد قابل‌ذکری

در سایر مقوله‌ها یافت نشد. این بدین معناست که گفتمان ضرب‌المثلی در جهت تغییر اجتماعی گسترده‌ای نیست، بلکه تلاش می‌کند در چارچوب نظم گفتمانی مستقر خود باقی بماند.

الف) جنبه‌های مذهبی

در این مقوله هیچ نمونه‌ای در فرهنگ‌های انگلیسی یافت نشد.

ب) جنبه‌های ادبی

1. Caesar's wife must be above suspicion (345 , 308 , 42) .

تنها یک نمونه در فرهنگ‌های انگلیسی یافت شد که در اشاره به جنبه‌های ادبی (یکی از آثار شکسپیر) بیان شده است. به عبارتی در فرهنگ آکسفورد ۲/۳۸ درصد از جنبه‌های ادبی در گفتمان ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات بهره گرفته شده است.

ج) جنبه‌های تاریخی

هیچ نمونه‌ای از این مقوله در فرهنگ‌های انگلیسی مورد نظر در این پژوهش در گفتمان ضرب‌المثل‌ها به کار گرفته نشده است.

بر اساس نظریه فرکلاف، وجود درجه بالایی از میان‌گفتمانی با تغییر پیوند دارد، در حالی که میان‌گفتمانی اندک نشانگر بازتولید نظم مستقر است (یورگنسن و فیلیپس ۱۴۳).

۲- پیامدهای ساختار زبانی - گفتمانی ضرب‌المثل‌ها و تأثیر آن بر ساختار اجتماعی انگلیسی زبانان و بالعکس

یکی از مهمترین پیامدهای ساختار زبانی - گفتمانی ضرب‌المثل‌ها برای ساختار اجتماعی نظام مردسالاری و مردمحور بودن است. مردسالاری نامی است برای نظام و ساختاری که از راه نهادهای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود، زنان را زیر سلطه دارد و در آن مردها قدرت و حاکمیتی فراوان نسبت به زنها دارند (آبوت و والاس ۳۲۴). گاه به جای واژه مردسالاری از واژه پدرسالاری استفاده می‌شود که کار درستی نیست، زیرا پدرسالاری تنها به برخی از جنبه‌های این نظام اقتدار مردانه و به گروه خاصی از مردان اشاره می‌کند و زیرمجموعه مردسالاری به حساب می‌آید؛ به عبارتی دقیق‌تر، مردسالاری یک کلان ساختار است که به برتری و تسلط مرد بر زن اطلاق می‌شود. اما این کلان ساختار در مفاهیم و مضامین متفاوتی کوچک و خرد شده و تجلی می‌یابد. این واژه در فرهنگ آکسفورد اینگونه تعریف می‌شود: «جامعه، نظام و یا کشوری که حاکمیت یا کنترل آن در دست مردان است». (هورن‌بای ۹۲۹). تبعیض و نابرابری بین دو جنس زن و مرد در جامعه زبان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و باعث می‌شود دیدگاه‌های تبعیض‌گرایانه که آغشته به

ایدئولوژی خاصی (مردسالاری) هستند در زبان سرایت کنند و توسط مصرف‌کنندگان زبان بازتولید و یا گاهی تغییراتی در آن ایجاد کرده و به نحو دیگری تولید کنند. از طرفی زبان نیز به عنوان یکی از مهمترین ابعاد ارتباطی بشر در جامعه، ساختار و نظام‌های اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و این همان چیزی است که فرکلان (64) *Discourse and Social change* می‌گوید: «گفتمان هم سازنده است و هم ساخته‌شده، یعنی هم محصول است و هم تولیدکننده». نمونه‌هایی از وجود نظام مردسالاری وجود دارد که در زیر ذکر می‌شوند: نمونه‌ها:

1. A man is as old as he feels, and a woman as old as she looks.
(351 , 237 , 200 , 193 , 112) .

برتری و توانایی بیشتر مرد نسبت به زن

2. A woman, a dog, and a walnut tree, the more you beat them the better they be
(350 و 339 , 326 , 83 , 15) .

تسلط مرد بر زن

3. People knew a man by the company he kept, but they generally knew a woman by the man who kept her (59) .

تسلط مرد بر زن

4. The female of the species is more deadly than the male (297 و 200 , 112) .

برتری مرد بر زن

یکی از ویژگی‌های عمده‌ای که در بروز و تجلی نظام مردسالاری در ضرب‌المثل‌های انگلیسی وجود دارد این است که شیوه‌های گوناگون و نمودهای مختلف نظام مردسالاری در زبان کاملاً بروز نیافته (پدرسالاری، پسرسالاری، برادرسالاری، دایی‌سالاری و پیرمردسالاری) و تنوع و مضامین و ساختارهای خرد آن مشخص نشده است و تنها به صورت کلان‌ساختار و برتری کلی مرد بر زن نمایان شده است. در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد ۲۳/۸ درصد به مقوله مردسالاری اختصاص یافته است.

نتیجه‌گیری

(۱) ساختار گفتمانی ضرب‌المثل‌های زنان در فرهنگ مورد نظر را می‌توان در قالب

سه دسته کلی: ۱- یکسان، ۲- متفاوت - مشابه و ۳- متفاوت توصیف کرد. درصد فراوانی هر یک از این دسته‌ها به شرح زیر می‌باشد: ۷۱/۴۲ درصد یکسان، ۱۴/۲۸ درصد دسته متفاوت -

مشابه و دسته متفاوت نیز ۱۴/۲۸ درصد را به خود اختصاص داده است. بنابراین می‌توان گفت فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد دارای تنوع و گستره محدودی است و بیشتر به تکرار ضرب‌المثل‌ها می‌پردازد. تحلیل دقیق‌تر این دسته‌بندی با استفاده از آزمون کراسکال والیس نیز انجام شده است و نتایج این آزمون نشان می‌دهد که در این فرهنگ بین انواع ساختار تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0/01$).

(۲) مهمترین ساختارهای گفتمان‌مدار در این فرهنگ عبارتند از: ۱- واژه‌های خویشاوندی (۳/۷۹ درصد) و ۲- کلمات مرتبط با زنان (۵/۵۸ درصد) و پیامد این تفاوت در توزیع این ساختارها این است که دایره نظم گفتمانی و در نتیجه نظام خویشاوندی در انگلیسی نسبتاً محدود است.

(۳) زن به چهار صورت ۱- مثبت (۲۱/۴۲ درصد)، ۲- مثبت و منفی (۰)، ۳- خنثی (۳۸/۰۹ درصد) ۴- منفی (۲۸/۰۹ درصد)، توصیف و بازنمایی می‌شود و بالاترین میزان بازنمایی به صورت مساوی مربوط به دو شیوه منفی و خنثی (۳۸/۰۹ درصد) است.

(۴) ایدئولوژی حاکم بر گفتمان این فرهنگ بر تبعیض، نابرابری جنسیتی و در نتیجه تسلط مرد بر زن تأکید دارد. این ایدئولوژی در سراسر گفتمان گاه به صورت آشکار بیان می‌شود و گاه طبیعی‌سازی و خنثی شده و حالت هژمونیک به خود می‌گیرد که در این مواقع به صورت پنهان بوده و در جهت ایجاد سلطه مرد بر زن عمل می‌کند. درباب مناسبات قدرت نیز باید گفت قدرت حوزه حوزه شده است و نه تنها بین زن و مرد بلکه بین زنان نیز براساس طبقه اجتماعی و یا نقشی که در نظام خویشاوندی ایفاء می‌کنند و در تمام حوزه‌های مختلف زبانی (حوزه جنسیت، حوزه استعاره و حوزه توانایی‌های جسمی - فکری) به جز حوزه خطاب، به صورت نابرابر و به نفع مرد توزیع شده است.

در حوزه جنسیت ۱۴/۲۸ درصد، و در حوزه توانایی‌های جسمی - فکری ۴/۷۶ درصد قدرت به نفع مرد است. این فرهنگ در حوزه خطاب نسبت به توزیع قدرت بین زن و مرد خنثی است و هیچ نمونه‌ای برای این مقوله یافت نشد. در حوزه استعاره نیز گرچه از استعاره‌های زنانه استفاده شده است (۷/۱۴ درصد) اما این استعاره‌ها اغلب در وصف پدیده‌ها و مقوله‌های انتزاعی همچون احتیاج، تلاش و آمده‌اند نه در وصف مقوله‌های مهم که قدرت زن را نشان می‌دهد. بنابراین هیچ گونه نشانی از توزیع قدرت به نفع زن در آنها یافت نمی‌شود. بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که در فرهنگ ضرب‌المثل‌های آکسفورد

مقوله قدرت ۱۹/۰۴ درصد به نفع مرد بوده و هیچ‌گونه متعادل‌سازی در جبران این نابرابری قدرت صورت نگرفته است.

(۵) در بخش دوم توزیع قدرت یعنی قدرت بین زنان، این جایگاه‌ها و سلسله مراتب قدرت بین زنان چندان در زبان بروز پیدا نکرده و پنهان مانده است. چون تنها در یک مورد (۲/۳۸ درصد) بین جایگاه و در نتیجه قدرت زنان تمایز قائل شده و این تمایز نیز بر اساس طبقه اجتماعی صورت گرفته است (برتری و قدرت طبقه زنان اشراف‌زاده و غنی بر طبقه زنان عادی جامعه) و میان نقش‌های مختلف زن در نظام خویشاوندی تمایزی قائل نشده است و یا در زبان بروز نیافته است.

(۶) تعداد و تنوع واژه‌های خویشاوندی در فرهنگ آکسفورد نسبتاً محدود است و در بسیاری موارد جزئیات و چگونگی روابط خویشاوندی به صورت کلی و تا حدی پنهان در زبان بروز یافته است. تفاوت‌های موجود در واژگان خویشاوندی به کار رفته در این زبان را میتوان در پرتو یک تفاوت فرهنگی عمیق میان گویشوران هر زبان توضیح داد. مثلاً در فارسی روابط بر اشخاص تقدم دارند در حالی که در انگلیسی فردیت مهمتر است و روابط اهمیتی ثانویه دارند (زاهدی و شمس ۲۰۵).

(۷) در نظام خویشاوندی انگلیسی چندان میان نقش‌های مختلف زن تمایزی قائل نشده است و اکثر بازتابی‌ها و توصیفات راجع به خود زن به طور عام است و در مواردی اندک راجع به همسر.

نمونه‌های مذکور از ضرب‌المثل‌های آکسفورد که حاکی از برتری و تسلط مرد بر زن هستند، گویای وجود نظام مردسالاری و بازتاب آن در زبان و تاثیر متقابل زبان در تولید و ایجاد ساختارهای اجتماعی نابرابر هستند که به صورت کلان‌ساختار مردسالاری و برتری کلی مرد بر زن نمایان شده است.

منابع

- آبوت، پاملا و کلو والاس. فرهنگ واژه‌ها و اصطلاحات در جامعه‌شناسی زنان. ترجمه منیژه نجم‌عراقی. تهران: نشر نی. چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
- آریان‌فر، سیمین. ۱۳۸۵. بررسی شماری از ضرب‌المثل‌های فارسی بر اساس طرواره‌های تصویری در چارچوب نظریه معنی‌شناسی شناختی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهراء، ۱۳۸۵.
- آفاگل‌زاده، فردوس و مریم غیاثیان. رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی. فصلنامه زبان و زبان‌شناسی، ۵۳: (۱۳۸۶) ۳۹ - ۵۴.
- آفاگل‌زاده، فردوس و همکاران. کارآمدی الگوی تحلیل گفتمان انتقادی فرکلانف در نقد و ارزیابی برابرها در متون ترجمه شده خواهان اثر جیمز جویس، فصلنامه پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی، ۳۱: (۱۳۸۹) ۲۴ - ۱.

- انصاری، جلیل. بررسی نقش انتقادی زبان در سینمای نوین ایران بر اساس نظریه تحلیل کلام انتقادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- برزن، غلامرضا. بررسی مقایسه‌ای ضرب‌المثل‌های فارسی و انگلیسی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۵.
- دمالی‌امیری، مهدی. تبیین ایدئولوژی و قدرت در کلام (تحلیل انتقادی اخبار رسانه‌ای). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۰.
- رویگریان، شیوا. سخن همدلانه و رقابت جویانه در ادبیات زنان پس از انقلاب. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
- زاهدی، کیوان و آسیه ایمانی. «زن» در ضرب‌المثل‌ها و اصطلاحات فارسی: بررسی پیکره - بنیاد عامل انسجام از دیدگاه تحلیل گفتمان. مجله تاریخ ادبیات. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی. زیر چاپ الف.
- _____. «زن» در /مثال/و حکم: فراکارکرد متنی و گفتمان کمینه. مجله پژوهش‌های زبان و ادبیات تطبیقی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه تربیت مدرس. زیر چاپ ب.
- زاهدی، کیوان و محمدعلی شمس. خویشاوندی و جنسیت در خانواده و بازتاب آنها در زبان. فصلنامه خانواده‌پژوهی، ۳۵ (۱۳۸۸): ۳۰۸ - ۲۸۱.
- شاملو، ناهید. بررسی و مقایسه سیمای زن و مرد در امثال و حکم دهخدا. پژوهشنامه فرهنگ و ادب، ۴: ۲۲۳ - ۲۱۹.
- فرید، محمدصادق. درآمدی بر نظام خویشاوندی. تهران: پشتون، ۱۳۸۲.
- قبادی، حسینعلی، آفاگل‌زاده، فردوس و سیدعلی دست. تحلیل گفتمان غالب در رمان سووشون سیمین دانشور. فصلنامه نقد ادبی، ۶: ۲ (۱۳۸۸): ۱۵-۱۸۲.
- هاشمی، سیدعلیرضا. بررسی نظام خانواده در روستای روشنا در طالقان. فصلنامه نجوی فرهنگ، ۴: ۱۴ (۱۳۸۸): ۱۰۴ - ۹۵.
- یارمحمدی، لطف‌ا... و مجید خسروی‌نیک. شیوای در تحلیل گفتمان و بررسی دیدگاه‌های فکری - اجتماعی. نام فرهنگ، ۴۲ (۱۳۸۲): ۱۸۱ - ۱۷۳.
- _____. تناسب کاربرد روش‌های کمی و کیفی در تحلیل گفتمان‌ها. نام فرهنگ، ۳: ۳۹ (۱۳۸۰): ۴۸-۵۴.
- _____. گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی. تهران: هرمس، ۱۳۸۲.
- Amalsaleh, Ehya. 2002. "The status of women as depicted in Persian proverbs". oral presentation in the first International Seminar on Gender and Language held at Valencia University, Spain, October.
- Bloor, Meriel and Thomas Bloor. 1935. *The practice of critical discourse analysis: An introduction*. Amsterdam, John Benjamins.
- Fairclough, Norman and Ruth Wodak. 1997. "Critical discourse analysis". In: Van Dijk, T. (Hg.): *Discourse studies: A multidisciplinary introduction*, 2. London: Sage: 258-284.
- _____. 1992. *Discourse and social change*. London: Longman.
- _____. 2002. "Critical discourse analysis and the marketization of public discourse". In Toolan, M. (ed.) *Critical discourse analysis*, vol. 2. London: Routledge: 69-103.
- _____. 1989. *Language and power*. London: Longman.
- _____. 1995. *Media discourse*. London: Longman.
- Fakoya, Adeleke A. 2007. "Sexually-grounded proverbs and discourse relevance: Insights from Yorùbá". *California Linguistic Notes*, XXXII, 2: 1-30.
- Foucault, Michel. 1972. *Power/knowledge: Selected interviews and other writings*. New York: Pantheon Books.
- _____. 1979. *Discipline and punish: The birth of the prison*. New York: Random House.
- Hall, Stuart et al. 1978. *Policing the crisis*. London: Macmillan.
- Halliday, Michael and Ruqaiya Hasan. 1976. *Cohesion in English*. London: Longman.
- Halliday, Michael and Christian Matthiessen. 2004. *An introduction to functional grammar*. London: Arnold.
- Harris, Zellig. 1952. "discourse analysis". *Language*, 28, 1: 1-30. It is also available at: <http://www.jstor.org/stable/409987>.
- Hornby, Albert S. 2001. *The Oxford advanced learner's dictionary*. Oxford: Oxford University Press.
- Jorgensen, Marianne and Louise Philips. 2002. *Discourse analysis as theory and method*. London: Sage Publications.
- Moreno, Ana I. 2005. "An analysis of the cognitive dimension of proverbs in English and Spanish: The conceptual power of language reflecting popular believes". <http://www.pulib.sk/skase/Volumes/JTL02/04.pdf>. 42-54.
- Speake, Jennifer (ed). 2008. *Oxford English dictionary of proverbs*. UK: Oxford University Press.
- Spears, Richard A. 2012. *Dictionary of American slang and colloquial expressions*. US: McGraw Hill, 4th ed., 2007. at: <http://dictionary.reference.com/browse/nookie>. Publishers, 04 Mar.
- Storm, Hiroko. 1992. "Women in Japanese proverbs". *Asian Folklore Studies*, 51: 167-182.
- Sutcliffe, Peter. 1978. *The Oxford English dictionary*. volume 8, Oxford: Clarendon Press.
- Van Dijk, Teun. 2001. "Multidisciplinary CDA: A plea for diversity". 2001. In Wodak, Ruth and Michael Meyer (eds.), 95-120.
- Widdowson, Henry G. 1978. *Teaching language as communication*. Oxford: Oxford University Press.
- Young, Lynne and Fitzgerald, Brigid. 2006. *The power of language: How discourse influences society*. London: Equinox.
- Zahedi, Keivan and Asiyeh Imani. 2011. "Dehkhoda versus Shamlou: A comparative analysis of cohesion and coherence in Persian proverbs and adages". Manuscript, Shahid Beheshti University.
- <http://www.onelinerz.net/top-100-funny-one-liners/2/>, *Quotes and Jokes on the internet! Part 2*, 04 Mar, 2012.
- <http://www.quoteagarden.com/women.html>, *Quotes and sayings about women*, 15 Jan 2012.